نگاه

اهمیت استقلال وکیل همپای استقلال قاضی

عشرت عبدالهی

تجربه نشان داده است که دولت‌ها فاقد این توانایی هستند که بدون وجود و کمک نهادهای مدنی به یک دولت یا کارکردهای امروزی و موفق تبدیل شوند. بدون وجود نهادهای مدنی نمی‌توان ادعا داشت که درک درستی از مطالبات پیچیده در جامعه امروز وجود دارد.

بنابراین هرچه بر پیچیدگی و تنوع مسایل و مشکلات جامعه افزوده می‌شود، بیشتر می‌توان به ضرورت وجود نهادهای مدنی به‌عنوان نهادهای واسط بین مردم و دولت پی برد.

این ادعا امروزه در کشورهای دارای پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه به‌خوبی قابل اثبات بوده و تجربه‌شده است. یکی از این نهادها که به‌تناسب رژیم‌های حقوقی مدرن در کشورهای پیشرفته پذیرفته‌شده و به آن اهمیت داده شده است مسائله وکالت و استقلال نهاد وکالت از دستگاه حکومتی است.

در کشور ما نیز در دوره‌ای از تاریخ این اهمیت موردتوجه قرار گرفت و سنگ‌بنای استقلال نهاد وکالت به‌درستی گذاشته شد. چرا که به تاکید صاحبنظران استقلال عنصر ذاتی و ایجابی حرفه وکالت و ضامن اجرای عدالت و دفاع آزادانه از حق است و سلب این عنصر حیاتی اصول و اهداف وکالت دادگستری و حق آزادی دفاع و دادرسی عادلانه و ایمنی وکیل را متزلزل خواهد کرد.

از سوی دیگر به دلیل پیچیده‌ترشدن روند دادرسی‌ها به تناسب تحولات جوامع، نیاز به فردی است که تخصص لازم را در این زمینه داشته باشد و وقتی او می‌تواند از تخصص خود به نحو احسن در جهت احقاق حقوق شهروندی استفاده کند که از استقلال لازم برخوردار باشد. بر این مبنا بود که سال ۱۳۲۴ یعنی ۶۸ سال پیش، تلاش‌ها از سوی افراد علاقه‌مند و عدالتجوی این مرزوبوم آغاز شد و سرانجام در سال ۱۳۳۳ طی قانون لایحه استقلال کانون وکلا، این عدم‌وابستگی به حاکمیت به‌نحو گسترده‌تری تعریف شد و کانون وکلای دادگستری موسسای مستقل و دارای شخصیت حقوقی تعریف شد.

البته این استقلال با نام دکتر محمد مصدق و پیشکسوتان دیگری گره خورده است و با رشادت و مجاهدت آنان درخت استقلال این نهاد مردمی بیارا نشست.

اما مسئله‌ی‌تر، کانون وکلا پس از انقلاب با فراوزنشیب‌هایی روبه‌رو شد و در سال ۱۳۷۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت به تصویب رسید که به اعتقاد صاحبنظران در این قانون، استقلال کانون وکلا در جهاتی و از زوایای خاصی محدود شد. این اما پایان چالش‌های کانون‌های وکلا نبود. در سال ۷۹ دوره دیگری از چالش‌ها برای این نهاد مدنی رقم خورد. مجلس در مادّه ۱۸۷ برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و... به قوه قضاییه اجازه داد که خارج از روال همیشگی تربیون‌کویل، دانشجویان حقوق را در سیستمی به‌نام مرکز مشاوران قوه‌قضاییه تربیت کرده و به آنها تا پایان برنامه پنج‌ساله اجازه اشتغال بدهد.

اگرچه در آن زمان نیز انتقادات بسیاری از ناحیه صاحبنظران به این ماده صورت گرفت که وجود دو نهاد موازی دفاعی که یکی از آنها دولتی است، آثار و تبعات داخلی و بین‌المللی جدیدی داشت و حق دفاع و دادرسی عادلانه را خدشه‌دار خواهد کرد، اما به هر تقدیر این ماده تصویب شد و کانون‌های وکالا نیز چاره‌ای جز تمکین به قانون نداشتند اما این روند نه‌تنها تا پایان برنامه سوم که تا بعد از آن نیز ادامه یافت، جایگاه این نهاد حاسم‌تر شد. لایحه با طرحی به‌سرعت وجود در مورد وکالت تدوین شود تا هم کانون‌وکلا دارای قانونی جامع و کامل شود و هم وکلای این مرکز زیر مجموعه کانون قرار بگیرند. پیش‌نویس آن در بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰ ردوبدل و در نهایت پیشنهادهایی از سوی کانون‌های وکالا ارایه شد. مجلس نیز طرحی را مبتنی بر نظر مرکز پژوهش‌های مجلس تدوین کرد و به امضای بخش قابل‌توجهی از نمایندگان رسید.

قوه‌قضاییه هم که به‌موجب قانون برنامه پنجم توسعه، عهده‌دار تهیه و تنظیم لایحه جامع وکالت رسمی شده بود، لایحه‌ای را در چندین ماده برای طی مراحل قانونی به دولت ارایه کرد اما از نظرات کارشناسی کانون‌های وکالا که دینفع اصلی آن بودند استفاده نشد. صاحبنظران بخش‌هایی از مواد لایحه پیشنهادی را در جهت نقض استقلال کانون‌های وکلا ارزیابی کردند.

این لایحه در آخرین روزهای دولت دهم به دستور احمدی‌نژاد از دستور کار دولت خارج شد. به هر حال باید اذعان کرد که آنچه باید به‌عنوان یک نکته مهم درباره استقلال وکیل و نهاد وکالت مورد توجه قرار گیرد این است که بی‌شک حضور وکیل تحصیلکرده حقوق و آشنا به مبانی و قوانین مدون کشور، در تصمیم‌گیری قاضی و تشخیص حق یا باطل نقش موثری خواهد داشت تا جایی که گفته‌اند فرشته عدالت دو بال دارد که یک بال آن قاضی و بال دیگر آن وکیل است و مسلما برای پیشبرد عدالت به هر دو بال احتیاج داریم. از این‌رو شرایط ایجادشده ایجاب می‌کند که به همان میزان که به مساله استقلال قاضی از حکومت توجه و اهمیت داده می‌شود، مساله استقلال وکیل نیز مورد توجه و اهمیت باشد.

ادامه از صفحه ۷

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران موجودیت، هویت و شبهات

بنابراین به صراحت می‌توان گفت که انجمن کار سیاسی نمی‌کرد زیرا اساسنامه اجازه انجام کار سیاسی نمی‌دهد.

اما عده‌ای تشکیل نشدن صنفی و کارشناسی یا دادن اطلاعیه و بیانیه در انتقاد از توقیف روزنامه‌ها و نشریات را کار سیاسی قلمداد می‌کنند که این تصور اشتباه است.

زیرا این نوع اقداماتِ در چارچوب دفاع از حقوق و منافع و حیثیت اعضا و صنف است و اگرچه طعم سیاسی دارد ولی کنش سیاسی محسوب نمی‌شود. هیاتمدیره انجمن پیش و پیش از مواضع و نگاه‌های بیرونی، خود را به رفتار در چارچوب اساسنامه و پرهیز از رفتار سیاسی، متعهد و ملزم می‌دانست و می‌داند.

اتهام فعالیت سیاسی نیز که عمدتا توسط افرادی که با فعالیت صنفی مخالف و نگاه منفی به نهادهای مدنی دارند، مطرح می‌شود، شبهه‌ای است که «هویت» مستقل حرفه‌ای انجمن را نشانه گرفته است. هویتی که توسط اکثریت روزنامه‌نگاران نجیب و با خصوصیات در مجامع عمومی و انتخابات انجمن، پاسداری شده و می‌شود.

دکتر علی مندنی‌پور در گفت‌وگو با «شرق»:

زمینه لازم برای تقویت نهادهای مدنی فراهم است

عکس: احسان قلندری، شرق

کمک به ارتقای سطح مادی و معنوی زندگی نیازمندان، آموزش، آگاهسازی، فراهم‌کردن بستر دموکراسی، تقویت مشارکت‌های جمعی و در نتیجه ایفای نقش واسط بین مردم و دولت با هدف دفاع از حقوق قانونی مردم و با بهره‌گیری از قانون مهم‌ترین شاخصه‌های این نهادهاست.

■ چه عواملی ممکن است موجودیت این نهادها را متزلزل کند؟

بزرگ‌ترین آسیبی که موجودیت این نهادها را تهدید می‌کند، نداشتن غیرصنفی به این تشکل‌هاست. رشد و بالندگی با برعکس تضعیف و حتی خروج آنها از چرخه فعالیت اجتماعی بستگی دارد به نوع نگاه مسوولان به‌ویژه دولتمردانی که به این نهادها از دریچه سیاسی و امنیتی می‌نگرند و در چنین روزگاری است که مسیر حرکت آنها بی‌دردسر نبوده و بسته به نوع دولت‌ها دست‌اندازها و پیچ‌وخم‌هایی را در مسیر خود انتظار کشیده‌اند. به همین جهت و با عنایت به تجربه کاری، کمتر بهار در انتظار تشکل‌های مدنی بوده است و بیشتر پاییز و چه بسا در فصل زمستان فعالیت و انجام وظیفه آنها بسیار طولانی‌تر بوده است.

■ آیا می‌توان از دولت انتظار نگاهی افتاونمند، شفاف و مثبت به اینگونه نهادها را داشت؟

بله. اگر دولت بر مدار محورقانون حرکت کند، به حقوق قانونی شهروندان احترام بگذارد، اصل را بر خدمت به مردم قرار دهد، خود را ولی‌نعمت مردم ندانسته بلکه خدمتگزار مردم باشد، قطعا به این مهم یعنی مشارکت مردم در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد تن داده و از آن استقبال می‌کند. چرا که هم برای مدیران کلان و هم برای کمک‌حالی آنها برای پیشبرد خلق و ارتقای مردم و در نتیجه سبک‌تر کردن بار مسوولیت دولت، کارها بهتر پیش می‌رود. اعتماد عمومی جلب می‌شود. انگیزه‌ها بالاتر و کارها سریع‌تر انجام می‌گیرد و از همه مهم‌تر اینکه به اجرای عدالت کمک می‌شود و این مهم‌ترین هدف مشارکت کلیه نهادهای خاطر شهروندان است. برآورده می‌شود. نگاهی اجمالی به تاریخ پیدایش تشکل‌های مردم‌نهاد در کشور و نوع نگاه دولت‌ها به این مجموعه‌های مدنی مردمی و عنایت به حجم عظیمی از خدمات که در چارچوب وظایف آنها در اساسنامه‌شان قید شده، از پشتیبانی‌ها گرفته تا مشارکت مردم در شهروندان گرفته تا سلامت و بهداشت و محیط‌زیست، خبره‌ها، تشکیل انجمن‌های بشردوستانه و غیره در قالب کانون‌های چون کانون وکلای دادگستری، کانون نویسندگان، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، انجمن‌های دانشجویی و دانش‌آموزی، کانون‌های هنری و سینمایی، بنیادهایی همچون بنیاد بیماری‌های خاص، حمایت از زندانیان، زنان، کودکان، خانه معلم، سندیکاهای کارگری، هیات‌های مذهبی و... به نوعی از جاب و بهره‌ور در آنچه به عمل می‌آید اصلی‌ترین در قسمت نهادهای مدنی مربوط می‌شود چنانکه در پیاده‌کردن اصل شورا دیده شده، به نوعی به نظام قانونگذاری و متولی آن مجلس شورای اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. خوب به خاطر داریم که با وجود اهمیت و تاکید بر اقتصادی و حتی سیاسی به اعتماد عمومی و در نتیجه به روند توسعه کشور وارد ساخته است.

■ با توجه به روزهای پایانی دولت احمدی‌نژاد نگاه دولت نهم و دهم نسبت به نهادهای مدنی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آنچه در هشتسال گذشته در ابعاد مختلف از داوری نسبت به فعالیت‌های این سازمان‌ها در وسایل ارتباط‌جمعی حامی دولت شاهد بودایم، در بسیاری از موارد با بی‌انصافی آمیخته بوده و در اغلب اظهارنظرهای دولتمردان آگاهانه یا ناآگاهانه، به عمد یا غیرعمد، ضمن نادیده گرفتن کارکردهای مثبت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی این نهادها و به دوش کشیدن بار وظایف دولت و حمایت از آسیب‌دیدگان و به‌طور کلی نقش آنها در فرهنگ‌سازی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، بهداشتی، زیست‌محیطی، آموزشی، اقتصادی بیشتر به سیاه‌نمایی و برچسب‌های غیرمنصفانه اکتفا کرده است.

■ فکر می‌کنید که در دولت جدید وضعیت نهادهای مدنی به سمت بهترشدن پیش برود؟

با عنایت به رویکرد، سابقه کاری و نیز سخنان ایشان در جریان تبلیغات انتخاباتی و مطالبات مردم و تعهدات وی در مقاطع مختلف به برآورده ساختن این مطالبات و توسعه کشور حقلا گردیده و از همه مهم‌تر آنکه اینده کشور در گرو وجودی عملکرد این نهادها در همکاری سیاسی مردم، صورت تصویب قانون احزاب و جمعیت‌های سیاسی سابق‌الذکر فراهم آمد.

بعد از این سال‌ها نیز ذخیرت قبلی نسبت به مخربودن مدنی احزاب و نیز عدم تمایل مردم به صورت گسترده جهت مشارکت برای فعالیت سیاسی موجب شد که با وجود گذشت بیش از یک ربع قرن از تصویب این قانون هنوز کمتر حزبی است که توانسته باشد با قبال گسترده مردم روبه‌رو شده و آن حزب هم توانسته باشد بر اساس فعالیت تشکیلاتی و سازمانی خود پایداری شده باشد و اگر احزابی هم به وجود آمده‌اند که توانسته‌اند در فعالیت سیاسی نقش مهمی پیدا کنند و از این طریق قدرت سیاسی را به معنای پیروزی در انتخابات و تشکیل دولت به دست گرفته باشند، پایدار نبوده و بعد از مدتی ضمرنظر از آن برداشته شده است.

■ به نظر شما مشکلات موجود بر سر راه فعالیت نهادهای مدنی ناشی از کاستی در قوانین اساسی است یا ضعف در قوانین عادی؟

آنچه برداشت من است مشکلات موجود در مسیر فعالیت این نهادها به ضعف در قوانین عادی ما برمی‌گردد.

■ مجلس به‌عنوان قوه قانونگذاری چه نقشی می‌تواند برای تقویت نهادهای مدنی که در واقع به‌عنوان چشم ناظر بر جامعه عمل می‌کند داشته باشد؟

جایگاه به این سوال می‌تواند تکمیلی باشد بر پاسخ سوال قبل و آن اینکه بی‌اعتنایی به مبحث حقوق ملت و به‌ویژه در آنچه به عمل می‌آید اساسی در قسمت نهادهای مدنی مربوط می‌شود چنانکه در پیاده‌کردن اصل شوا دیده شده، به نوعی به نظام قانونگذاری و متولی آن مجلس شورای اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. خوب به خاطر داریم که با وجود اهمیت و تاکید بر سرراه فعالیت نهادهای مدنی ناشی از کاستی در قوانین اساسی است یا ضعف در قوانین عادی؟

■ به نظر شما مشکلات موجود بر سر راه فعالیت نهادهای مدنی ناشی از کاستی در قوانین اساسی است یا ضعف در قوانین عادی؟

جوابم مثبت است. واقعیت تلخی است که باید آن را بپذیریم. نوع نگرش خاص نسبت به فلسفه وجودی نهادهای مردمی بماره‌ای از دولتمردان و به نوعی نگاه نمایندگان از نحتناتیر قرار داده که این مهم با دیدگاه کلان در اداره امور مملکت همخوانی ندارد. چرا که وجود تشکل‌های مدنی و تعیین خطمشی آنها از طریق تصویب قوانین منوقی برای کشور جدا یک ضرورت است و جا دارد نمایندگان محترم هم حق خود را برای رفع این نقیصه بزرگ در نظام قانونگذاری به کار گیرند.

■ واقعیت این است که با توجه به برخی اظهارنظرهای رسمی، هنوز نوعی بدبینی درباره فعالیت نهادهای مدنی مثل کانون وکلای دادگستری، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، خانه سینما، اتحادیه و سندیکاها و... در میان برخی نهادها و مقام‌ها دیده می‌شود. ریشه این بدبینی در چیست؟

ریشه این بدبینی در نوع نگاه اینگونه افراد و کارکرد این نهادها خلاصه می‌شود. به جرات می‌توانم بگویم کسانی که با فلسفه وجودی، نقش و کارکردهای این نهادها از نزدیک آشنا نبوده و به خود زحمت بررسی و شناخت منصفانه کارکردهای مثبت این نهادها را نمی‌دهند، اغلب دچار این ناداوری می‌شوند. شک نداریم آشنایی مسوولان در جایگاه‌های مختلف با نقش و کارکرد نهادهای مدنی به‌گونه‌ای عملی در عرصه‌های گوناگون به‌خصوص در آنچه به توسعه متوازن و فراگیر در جامعه مربوط می‌شود می‌تواند به تغییر نگرش این بزرگواران منجر و زمینه همکاری هرچه بیشتر ملت دولت را فراهم و به رشد و شکوفایی کشور کمک کند.

■ آقای روحانی رییس‌جمهور منتخب در مصاحبه مطبوعاتی بر فعال‌شدن نهادهای صنفی - مدنی تاکید کردند. چنانچای به‌عنوان فردی که سکان هدایت بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین نهاد مدنی کشور را برعهده دارید فکر می‌کنید که رییس‌جمهور چگونه می‌تواند برنامه‌های خود را برای تحقق چنین هدفی عملی کند؟

آقای دکتر روحانی به کرات در زمان فعالیت‌های انتخاباتی خویش به شخصه با توسط نمایندگان خود در نشست‌های مختلف و نیز در اولین مصاحبه مطبوعاتی و در جواب به نخستین پرسش مصاحبه یادشده در جایگاه رییس‌جمهوری منتخب و در حضور صدها خبرنگار و اهل‌قلم و نیز به دو رجحت بررسی و دفاع از حیرم حرمت نهادهای مدنی - صنفی را در چارچوب قانون اساسی به صراحت اعلام و توسعه نقش و جایگاه آنها را علاوه بر ایفاء به نیاز پروازقرون جامعه امروز ابراز در بیشترد اهداف توسعه یادآوری کردند اما اینکه رییس‌جمهور چگونه می‌تواند برنامه‌های خود را برای تحقق چنین هدفی بیاده کند باید بگویم اکثریت راه‌هدف‌کاست که آقای روحانی برای این راه دادند که احساس کردند خواست‌های آنها را خوب تشخیص داده و به مطالبات قانونی و بر حقشان پی برده و عزم خود را برای جواب به این مطالبات جزم کرده است. رای بالای مردم به برنامه‌های ایشان بوده و رییس‌جمهور منتخب همچنان که در این چند روز و در مناسبت‌های مختلف بیان داشته در انجام تعهدات خود به مردم مصمم و وفادار است و چه پیشنهادی قدرتمندتر از رای اکثریت مردم برای عملی کردن خواست‌های به‌جای مردم.

■ با توجه به اینکه کانون وکلا قدیمی‌ترین نهاد مدنی در ایران است، رییس‌جمهور چگونه می‌تواند فعالیت نهادهای مدنی از جمله کانون‌وکلای وکلای دادگستری را در مسیر استقلال آن پیش ببرد؟

خوشبختانه آقای دکتر روحانی حقوقدان است و وکیل دادگستری و بی‌شک پایبند و معتقد به پیاده‌کردن قانون در مسیر حرکت خویش. مردم چیز خوبی‌ها را در این مسیر دیده‌اند. آنچه خواست مردم است همانا بیاده کردن مز قانون در چهت ایجاد نظم و امنیت و عدالت است و بس.

با همین ابزار یعنی قانون نیز استقلال نهادهای مدنی با هدف کمک‌کردن بار مسوولیت دولت و همراهی و همکاری با دولتمردان هدف خواهد شد. به‌خصوص اینکه نهاد کانون وکلای دادگستری نهادی است با بیش از صدسال سابقه خدمتگزاری و بیش از شش‌دهه استقلال و ۴۰هزار وکیل و کارآموز وکالت که قانون خاص خود را دارد و با همین قانون تا امروز نقش کشیده و می‌کند.

■ از نظر شما و جامعه حقوقدان کشور معنی استقلال کانون وکلا چیست؟

این نظر من و جامعه حقوقدان کشور نیست. بلکه هدف قانونگذار از استقلال کانون و وکلای دادگستری ذات کار ما و حیاتش به استقلال وابسته است نه به ارباب قدرت و اصرار به استقلال هم در همین واقعیت نهفته است که اگر غیر از این باشد انجام وظیفه قانونی امکان‌پذیر نیست و نفع و ارزش کار ما هم در همین استقلال است و بس.

■ طی سال‌هایی که این نهاد مدنی مردمی ایجاد شده همواره فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته. از نظر شما چه عواملی موجب شده که این نهاد مردمی مورد هجمه قرار بگیرد؟

در سال‌های گذشته به‌ویژه از یک دهه پیش تاکنون کانون وکلا هرازچندگاهی با مشکلی روبه‌رو بوده که دست‌وپنجه نرم‌کردن با این موانع کلی وقت و انرژی را از مگرفته. خواسته ما در تمامی این حرف و حدیث‌ها پیاده کردن قانون است و بس. هرگز خواسته دیگری غیر از قانون نداشته‌ایم.

■ تاکید بر استقلال کانون وکلا چقدر منشا شخصی دارد؟ منظورم این است که آیا نفع شخصی و گروهی باعث شده که همواره طبل استقلال کانون‌های وکلای دادگستری کوبیده شود؟

امرار بر حفظ استقلال کانون وکلا به هیچ‌وجه منشا شخصی نداشته و ندارد. بلکه اصرار به حفظ حقوق مردم است و پیگیری جدی این مهم از جانب کانون‌ها حکایت از دلسوزی تمامی فرزندان این نهاد دیرینه به آینده مملکت دارد چرا که یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است هم از جهت داخلی و هم بین‌المللی. نفع شخصی برای هیچکس در این خصوص متصور نیست و آنچه مهم است و در اولویت قرار دارد منافع و مصالح عمومی است و لاغیر.

■ تا چه میزان عملکرد کانون‌های وکلا باعث شده نگاه‌ها و تلاش‌های برخی نهادها به سمت قرار گرفتن این نهاد در زیرمجموعه دولت پیش برود؟

واقعیتش را بخواهید رابطه معناداری نمی‌بینم.

■ انسجام، یکپارچگی و اتحاد و از بین‌رفتن اختلافات تا چه میزان می‌تواند خطر مورد خدشه قرار گرفتن استقلال این نهاد را دفع کند؟

رمز حفظ استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در همین وحدت، هماهنگی و همدلی تمامی همکاران در سراسر کشور نهفته است و چنانکه نشان داده شده این مسیر نیز تا رسیدن به خواسته بحق و قانونی‌مان دنبال خواهد شد.

■ به نظر شما نوع نگاه روسای جمهوری که طی این سال‌ها آمده‌اند و رفته‌اند چقدر در استقلال یا ضعف استقلال کانون وکلا تاثیر داشته است؟

با عنایت به عملکرد جایگاه اجرایی رییس‌جمهوری در سال‌های گذشته شاهد حرکت تازه‌گذاری در دفاع از استقلال کانون‌های وکلای دادگستری نبوده‌ایم. اگرچه ریاست‌جمهوری با توجه به جایگاه قانونی خویش می‌توانسته و می‌بایستی در دفاع از جایگاه قانونی نهادهای مدنی و از جمله دفاع از کانون وکلای دادگستری گام برمی‌داشت.

■ در دوران اصلاحات که نهادهای مدنی زمینه فعالیت بیشتری پیدا کردهاند چقدر کانون وکلا توانست از این فرصت برای تقویت استقلال خود در جهت دفاع از حقوق مردم استفاده کند؟

انتظار بهجا و قانونی از دوران اصلاحات با توجه به شعارهای مطبوحه در این دوره از جانب دولتمردان بیش از دوره‌های دیگر بوده است اگرچه در توسعه و ترویج نهادهای مدنی در این دوره گام‌های مهمی برداشته شد اما کانون وکلای دادگستری به‌عنوان یک نهاد دیرپای مدنی و مدافع حقوق مردم نه تنها مورد حمایت قرار نگرفت بلکه برخلاف انتظار در همین دوره و در راستای تضعیف این نهاد مدنی مستقل، نهادی موازی به نام مادّه ۱۸۷ سرپرآورد که خود به بسیاری از مشکلات کانون وکلای دادگستری دامن زد. تصمیمی که همگان به تبعات آن واقفیم.

■ اخیرا و در واپسین روزهای دوره ریاست‌جمهوری دهم آقای احمدی‌نژاد دستور خارج‌شدن لایحه وکالت رسمی را که از طرف قوه‌قضاییه تدوین شده به دولت ارسال شده بود از دستور کار خارج کرد. تحلیل شما از این موضوع چیست؟

نقض دفاع رییس‌جمهور بنا به وظیفه قانونی از قانون اساسی و حقوق مردم پسندیده است و جا داشته که هم رییس‌جمهوری و هم تمامی لایحه‌نگاران در این روش یعنی دفاع از حقوق مردم در همه زمان‌ها و در همه‌جا بهره می‌بردند و اما اینکه تحلیل شخصی من از انجام این حرکت آن هم در این برهه زمانی از طرف ریاست‌جمهوری چیست، اجازه می‌خواهم این دیدگاه شخصی را برای خود محفوظ نگه دارم.

■ طی هشتسال ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد نهادهای مدنی و صنفی فرصت فعالیت کمتری پیدا کردند برخی هم از مسیر فعالیت خارج شدند مثل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران یا خانه سینما. با این حال طی این سال‌ها واکنش خاصی از رییس دولت نهم و دهم دیده نشد. حال این سوال مطرح می‌شود که چرا شاهد اقدامی خاص در راستای وظایف ریاست‌جمهوری نبود؟

وظایف قانونی رییس‌جمهوری در راستای انجام وظیفه خویش به خود رییس‌جمهور ارتباط دارد و قاعدتا نیاییستی نیازی به گوشزد داشته باشد. چرا که فلسفه وجودی حضور رییس‌جمهور در این جایگاه عمل به قانون است اما اینکه چرا طی این سال‌ها واکنش خاصی از رییس دولت نهم و دهم درخصوص انجمن صنفی روزنامه‌نگاران یا خانه سینما مشاهده نشده باید گفت بررسی اجمالی کارنامه مسوولان قوای مجریه کشور در این خصوص نشان از این واقعیت دارد که در دوره دوم دوره‌ای ناهربانی و برخورد دور از انتظار و خلاف قانونی با نهادهای مدنی تا این میزان سابقه نداشته است.

■ اکنون با قرار گرفتن آقای روحانی که هم حقوقدان است و هم عضو کانون وکلای دادگستری، انتظار از او چیست؟

تا چه حد در زمینه فراهم‌کردن شرایطی تازه برای تقویت نهادهای مدنی، امیدواری وجود دارد؟

اصل بر این است که قرارگرفتن یک رییس‌جمهور حقوقدان و وکیل دادگستری در راس دستگاه اجرایی رییس‌جمهوری با عنایت به عملکرد جایگاه اجرایی رییس‌جمهوری در سال‌های گذشته شاهد حرکت تازه‌گذاری در دفاع از استقلال کانون‌های وکلای دادگستری نبوده‌ایم. اگرچه ریاست‌جمهوری با توجه به جایگاه قانونی خویش می‌توانسته و می‌بایستی در دفاع از جایگاه قانونی نهادهای مدنی و از جمله دفاع از کانون وکلای دادگستری گام برمی‌داشت.

■ در دوران اصلاحات که نهادهای مدنی زمینه فعالیت بیشتری پیدا کردهاند چقدر کانون وکلا توانست از این فرصت برای تقویت استقلال خود در جهت دفاع از حقوق مردم استفاده کند؟

آقای روحانی که هم حقوقدان است و هم عضو کانون وکلای دادگستری، انتظار از او چیست؟

تا چه حد در زمینه فراهم‌کردن شرایطی تازه برای تقویت نهادهای مدنی، امیدواری وجود دارد؟

اصل بر این است که قرارگرفتن یک رییس‌جمهور حقوقدان و وکیل دادگستری در راس دستگاه اجرایی رییس‌جمهوری با عنایت به عملکرد جایگاه اجرایی رییس‌جمهوری در سال‌های گذشته شاهد حرکت تازه‌گذاری در دفاع از استقلال کانون‌های وکلای دادگستری نبوده‌ایم. اگرچه ریاست‌جمهوری با توجه به جایگاه قانونی خویش می‌توانسته و می‌بایستی در دفاع از جایگاه قانونی نهادهای مدنی و از جمله دفاع از کانون وکلای دادگستری گام برمی‌داشت.

مکث

کانون وکلا و استقلال

دکتر علی نجف‌توانا
استاد دانشگاه و حقوقدان

یکی از سازوکارهای سیستم مردسالاری وجود نهادهای به‌عنوان واسط بین مردم و حاکمیت است. نهادهای مدنی اَعکاس تکثر و اعمال سلایق مردم با دیدگاه‌های مختلف است. رشد اینگونه نهادها و میزان چگونگی فعالیت آنها، نوعی ابزار ارزیابی و سنجش مردمی بودن حکومت و سازوکاری برای مشارکت در اداره کشور تلقی می‌شود. اصولا نهاد مدنی از بار مداخله حاکمیت و مرکزیت دولت می‌کاهد و با تقسیم وظایف بین نهادهای مردمی سیاست جذب مشارکت عمومی را ساماندهی و اعمال می‌کند.

کانون وکلا یکی از این نهادهاست که در تمام دنیا وظایف چندبعدی به عهده گرفته است. اولین وظیفه این نهاد به‌عنوان یک ساختار صنفی و حرفه‌ای هم رباست‌جمهوری و هم تمامی لایحه‌نگاران در این روش یعنی دفاع از حقوق مردم پسندیده است و جا داشته که هم‌جا بهره می‌بردند و اما اینکه تحلیل شخصی من از انجام این حرکت آن هم در این برهه زمانی از طرف ریاست‌جمهوری چیست، اجازه می‌خواهم این دیدگاه شخصی را برای خود محفوظ نگه دارم.

■ طی هشتسال ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد نهادهای مدنی و صنفی فرصت فعالیت کمتری پیدا کردند برخی هم از مسیر فعالیت خارج شدند مثل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران یا خانه سینما. با این حال طی این سال‌ها واکنش خاصی از رییس دولت نهم و دهم دیده نشد. حال این سوال مطرح می‌شود که چرا شاهد اقدامی خاص در راستای وظایف ریاست‌جمهوری نبود؟

وظایف قانونی رییس‌جمهوری در راستای انجام وظیفه خویش به خود رییس‌جمهور ارتباط دارد و قاعدتا نیاییستی نیازی به گوشزد داشته باشد. چرا که فلسفه وجودی حضور رییس‌جمهور در این جایگاه عمل به قانون است اما اینکه چرا طی این سال‌ها واکنش خاصی از رییس دولت نهم و دهم درخصوص انجمن صنفی روزنامه‌نگاران یا خانه سینما مشاهده نشده باید گفت بررسی اجمالی کارنامه مسوولان قوای مجریه کشور در این خصوص نشان از این واقعیت دارد که در دوره دوم دوره‌ای ناهربانی و برخورد دور از انتظار و خلاف قانونی با نهادهای مدنی تا این میزان سابقه نداشته است.

■ اکنون با قرار گرفتن آقای روحانی که هم حقوقدان است و هم عضو کانون وکلای دادگستری، انتظار از او چیست؟

تا چه حد در زمینه فراهم‌کردن شرایطی تازه برای تقویت نهادهای مدنی، امیدواری وجود دارد؟

اصل بر این است که قرارگرفتن یک رییس‌جمهور حقوقدان و وکیل دادگستری در راس دستگاه اجرایی رییس‌جمهوری با عنایت به عملکرد جایگاه اجرایی رییس‌جمهوری در سال‌های گذشته شاهد حرکت تازه‌گذاری در دفاع از استقلال کانون‌های وکلای دادگستری نبوده‌ایم. اگرچه ریاست‌جمهوری با توجه به جایگاه قانونی خویش می‌توانسته و می‌بایستی در دفاع از جایگاه قانونی نهادهای مدنی و از جمله دفاع از کانون وکلای دادگستری گام برمی‌داشت.

ادامه از صفحه ۷

نهادهای صنفی نباید در گیر کار «قدرت» شوند

چون در صورت استمرار فعالیت مطبوعاتی صنف و تجربه صنفی شکل می‌گیرد و در ادامه آن مطالبات صنفی که لازمه کار است. اما فعالیت مطبوعاتی به دلیل نوسان خبلی شدید که فضای سیاسی ایران موجب آن شده است؛ استمرار ندارند. فعالیت مطبوعات در ایران در دوره‌بندی تاریخی تابعی از الگوی دوره‌بندی تاریخی سیاسی ایران است و با فرازوفرودهای دوره‌ها دچار نوسان شده است و به‌طور جدی آسیب دیده است. نوسانات موجود در زمینه استمرار فعالیت مطبوعات، طبیعتا روند توسعه مطبوعات و نهاد صنفی آن را آهسته می‌کند ولی برخلاف ادوار گذشته که بر اثر رفتارهای اصنیتی کار مطبوعاتی کلا یا عمدتا متوقف می‌شد. در دوره‌ای که در آن به سر می‌بریم چنین اتفاقی نیفتاده و کار مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری، اگرچه سخت است ولی متوقف نیست.

■ یعنی روزنامه‌نگاری به منافع حرفه خودشان بی‌نیرد‌اند؟

اینطور نیست. روزنامه‌نگاران، منافع صنفی خود را می‌دانند. هویت صنفی و درک منافع مشترک صنفی در این صنف در حال شکل‌گیری است. اما اگر می‌بینید که نهادهای صنفی روزنامه‌نگاری هنوز به آن درجه از قدرتی که در بعضی کشورهای دیگر می‌بینید، نرسیده‌اند، یک دلیلش نوع نگاهی است که به ساخت قدرت به مطبوعات و روزنامه‌نگاری و نهاد صنفی این صنف دارد که البته به اعتقاد بنده به شکل اجتناب‌ناپذیر، تغییرات مثبت محسوبی هم داشته است. دلیل دیگرش بی‌مرگی‌دید به عم فعالیت مستمر روزنامه‌نگاری و مطبوعاتی مستقل در ایران که بسیار جوان است. تاریخ مطبوعات ایران به حدود ۱۵۰سال می‌رسد اما تاریخ ۱۵۰سال به‌ویژه در یک روند سینوسی است و بدشدت پرنوسان بوده. غیر از ۲۵ سال اخیر، کل ادوار آزادی مطبوعات به ۳۰ سال هم نمی‌رسد که البته بخش بزرگی از آن هم تابع الگوی روزنامه‌نگاری شورش بود نه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای. اما از سال ۱۳۷۶ به بعد فرآیند کار مطبوعاتی توانست به رغم همه نوقیدها و فشارها و سخن‌ها به یک استمرار نسبی دست یابد تکرار می‌کنم که فراموش نکنیم رشد مطبوعات و نهاد صنفی آن تابع یک روند تدریجی است. اگر در ادوار پیشین، یک‌روزه و یک شبه بساط روزنامه‌نگار برچیده می‌شد، اما در دوره جاری، با تعطیلی یک نشریه، نشریه جدیدی می‌آید و یا با حذف روزنامه‌نگاران، روزنامه‌نگاران دیگری مشغول به کار می‌شوند و این یک اتفاق مهم است و ناشی می‌شود از توسعه مطبوعات و نهادینگی آن در ساختار اجتماعی و سیاسی. ذات ادامه تجربه مطبوعاتی کوشش شده تا ضمن ایجاد وحدت بین سازمان‌های موازی ساختار جدیدی در قالب یک نهاد مدنی مستقل به وجود آید و در آن با پیشینی ضوابطی برای تامین حقوق وکلا روزنامه‌نگاران فراهم شود تا این نهاد مدنی در کنار نهاد عمومی اجرای عدالت قضایی را هرچه بهتر میسر سازد.

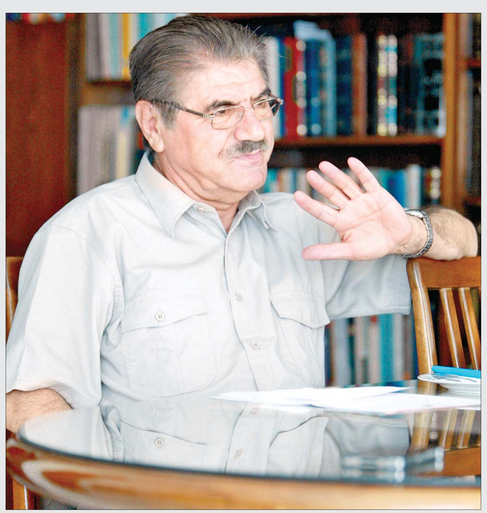

صالح نیکبخت در گفت‌وگو با «شرق»:

نهادهای مردم‌نهاد قدرت را نقد و نظارت می‌کنند

بیش از هشتسال پیش در دولت اصلاحات آیین‌نامه‌ای در هیات دولت تصویب شد که هدف آن تقویت و گسترش فعالیت نهادهای مردم‌نهاد بود، اما باز روی کار آمدن دولت نهم و دهم این آیین‌نامه و فعالیت نهادهای مردم‌نهاد به فرا